[نوح‌] گفت: «به [جزئیات‌] آنچه مى‌کرده‌اند چه آگاهى دارم؟ (112) حسابشان -اگر درمى‌یابید- جز با پروردگارم نیست. (113) و من طردکننده مؤمنان نیستم. (114) من جز هشداردهنده‌اى آشکار [بیش‌] نیستم.» (115) گفتند: «اى نوح، اگر دست برندارى قطعاً از [جمله‌] سنگسارشدگان خواهى بود.» (116) گفت: «پروردگارا، قوم من مرا تکذیب کردند؛ (117) میان من و آنان فیصله ده، و من و هر کس از مؤمنان را که با من است نجات بخش.» (118) پس او و هر که را در آن کشتى آکنده با او بود، رهانیدیم؛ (119) آنگاه باقى‌ماندگان را غرق کردیم. (120) قطعاً در این [ماجرا درس‌] عبرتى بود، و[لى‌] بیشترشان ایمان‌آورنده نبودند. (121) و در حقیقت، پروردگار تو همان شکست‌ناپذیر مهربان است. (122) عادیان، پیامبران [خدا] را تکذیب کردند. (123) آنگاه که برادرشان هود به آنان گفت: «آیا پروا ندارید؟ (124) من براى شما فرستاده‌اى در خور اعتمادم. (125) از خدا پروا کنید و فرمانم ببرید. (126) و بر این [رسالت‌] اجرى از شما طلب نمى‌کنم. اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست. (127) آیا بر هر تپه‌اى بنایى مى‌سازید که [در آن‌] دست به بیهوده‌کارى زنید؟ (128) و کاخهاى استوار مى‌گیرید به امید آنکه جاودانه بمانید؟ (129) و چون حمله‌ور مى‌شوید [چون‌] زورگویان حمله‌ور مى‌شوید؟ (130) پس، از خدا پروا دارید و فرمانم ببرید. (131) و از آن کس که شما را به آنچه مى‌دانید مدد کرد پروا دارید: (132) شما را به [دادن‌] دامها و پسران مدد کرد، (133) و به [دادن‌] باغها و چشمه‌ساران؛ (134) من از عذاب روزى هولناک بر شما مى‌ترسم. (135) گفتند: «خواه اندرز دهى و خواه از اندرزدهندگان نباشى براى ما یکسان است. (136)